

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنګ راد
۲۹ جون ۲۰۲۲

۸ تیر- سرطان- ۱۳۵۵، نماد جنایت نظام پهلوی

[به مناسبت جانبختن حمید اشرف و دیگر یارانش]

۸ تیر ۵۵، تنها یادآور جان فشانی چند تن از کمونیست‌های عمل‌گرا نیست، بلکه زنده نگه داشتن حافظه تاریخی از جنایتی است که نظام پهلوی در حق فرزندان کارگران و زحمت‌کشان مرتکب شده است؛ زنده نگه داشتن سیاست نظامی است که در پی تداوم "جزیره ثبات و آرامش" امپریالیستی بود و به همین دلیل، تا توانست به دستگیری، شکنجه و اعدام کمونیست‌ها، مبارزین، مخالفین و نیز به سرکوب اعتراضات کارگری و توده‌ای پرداخت.

البته سبک و طریقه نظام پهلوی [به‌مانند دیگر نظام‌های سرکوب‌گر]، به یکروز و به ۸ تیر ۵۵ محدود نمی‌شود و تقویم سیاسی‌اش، پُر از تجاوز و تعدی به جامعه اعتراضی از یکسو و تاراج اموال عمومی از سوی دیگر است. بیش از ۵۰ سال غارت ثروت‌های جامعه، بیش از ۵۰ سال زیر پا گذاشتن پایه‌ای‌ترین حقوق کارگران، زحمت‌کشان، زنان، جوانان، کودکان و احداث زندان‌های مخوف، حکایت از آن دارد که حکومت سلطنتی، همه رسالت و هم‌وغم‌اش، سرکوب خشن و عریان، تالان سرمایه‌های مملکت و نیز پیش‌برد سیاست‌های دیکته شده امپریالیست‌ها در درون جامعه بود. اسناد موجود است و نیاز آن‌چنانی‌ای برای بازخوانی سیاست‌های ضد انسانی حکومت پهلوی نیست. نیز صدمه‌دیدگان حکومت پیشین زنده‌اند و هیچ راه و مجالی برای پنهان‌کاری و یا فرار از اعمال شنیع نیست. اگرچه در دنیا مجازی ما شاهد عکس‌العمل دنباله‌های سرمایه‌هستیم و دارند با وقاحت و با خودفروشی سیاسی، نظر خود را بروز می‌کنند و حقایق را وارونه جلوه می‌دهند، ولی علی‌رغم تلاش‌های فریب‌کارانه نمی‌شود تاریخ اعتراضات کارگری، توده‌ای و کمونیستی ایران را جابه‌جا، و یا این‌که در قالب منفعت شخصی – گروهی نوشت؛ زیرا که داستان نیست و برگرفته از رویدادها و رخداد‌های مبارزاتی - سیاسی است که پدیدآورنده آن، طبقه بالنده و میرنده است؛ حاصل کنش‌ها و واکنش‌های دو سوی جبهه، یعنی جبهه مدافعی برقراری نظم‌ترتیب نظام سرمایه‌داری، و نیز جبهه تغییر به نفع سازندگان اصلی جامعه [یعنی کارگران و زحمت‌کشان] است. بی‌تردید «حمید اشرف» و دیگر یاران‌اش به جبهه دوم تعلق داشتند و به همین علت نام و اعمال‌شان در جنبش [تداوم‌دار] ایران ثبت شده است.

بدین ترتیب آنچه در سالگرد جانبختن «حمید اشرف» و دیگر یاران‌اش [رضا یثربی، سیدمحمد حسینی‌حق‌نواز، محمد مهدی فوقانی، عسگر حسینی‌ابره، یوسف قانع خشک‌بیجاری، طاهره خرم، غلامرضا لایق‌مهربانی، علی‌اکبر وزیر اسفراجانی، فاطمه حسینی] مدنظر است، آن است که، چرا شاگرد شوفرهای پهلوی این‌روزها دارند در قسمت

رسانه‌ها، بر چسب کالای از مصرف افتاده را تازه می‌کنند؟ چرا بار دیگر دموستگاه‌های تبلیغاتی وابسته به سرمایه دارند، میدان را برای باقی‌مانده‌گان و حامیان نظام‌های ظلم و جنایت بازتر می‌کنند و به تحریف حقایق می‌پردازند؟ در حالی‌که نظام پادشاهی پاسبان خود را از جانب کارگران، زحمت‌کشان، زنان و جوانان و دیگر توده‌های ستمدیده و به‌خصوص در سال‌های ۵۶ و ۵۷ گرفته و مجال و راه بازگشت آنرا بسته است. خلاصه این‌نوع تقلایها در پاسبان به کدام نیازها و ضرورت‌هاست؟

قبل از هر چیز اشاره به این‌مورد بی‌حاصل نیست که کمتر کسی، از دلایل اعتراضات توده‌ای سال‌های ۵۶ و ۵۷ ناآشناست؛ کمتر کسی علت‌ها را در نادرستی درک مردم از رفتار و کردار سردمداران نظام پهلوی می‌داند. نسل آن‌زمان کاملاً به انگیزه اصلی آن آشناست و نیز متعاقباً دیده است که به چه دلیل صحن جامعه، به میدان نبرد و رورویی قربانیان نظام امپریالیستی با ارگان‌های حافظ بقای آن تبدیل شده بود. همه فهمیدند که علت در فقدان دموکراسی، بگیر و به بند بهترین فرزندان مردم، و در همان حال تلنبار کردن و بالا کشیدن ثروت‌های جامعه از سوی حکومت‌مداران بود. در هر صورت بیش از ۴۰ سال است‌که از آن زمان می‌گذرد و اگرچه درد و رنج و زندگی سازندگان اصلی جامعه عمیق‌تر و وخیم‌تر شده است؛ اگرچه شاه رفت و مردم به حقوق ابتدائی‌شان دست نیافته‌اند؛ اگرچه شاه رفت و اهداف «حمید اشرف» و دیگر یاران‌اش به ثمر نه نشست و نظامی به‌مراتب دهشتناک‌تر به جامعه و به‌مردم ایران تحمیل شده است، ولی با وجود همه این‌ها، برابر با حقانیت و یا مطلوب‌تر بودن نظام پیشین در برابر نظام کنونی نیست. زیرا که پرونده حکومت پهلوی هم به‌مانند حکومت جمهوری اسلامی، پُر از دربدی، پُر از بی‌خانمانی محرومان، پُر از دستگیری، شکنجه و کشت و کشتار کمونیست‌ها، مبارزین و مخالفین است. در حقیقت رژیم سلطنتی کوله‌باری از جنایت و غارت اموال عمومی در کوله خود دارد که بعد گذشت چند دهه از عمر آن، اثرات آن همچنان دارد بر شانه‌ها و بر ذهن و جسم هزاران انسان دردمند، مادران و پدران، خواهران و برادران داغدار سنگینی می‌کند. هم نظام قبلی و هم نظام فعلی از کیسه واحدی تغذیه شده و سیاست‌های هر دو، در تأمین و تضمین طبقه سرمایه‌داری وابسته ایران بود و هست. چگونه می‌شود سیاست‌های ضد انسانی و سرکوب‌گرانه نظام پیشین را فراموش کرد و آنرا از رده نظام جنایت، و نیز از رده نظام حامی زیر پا گذاشتن بدیهی‌ترین حقوق میلیون‌ها کارگر و زحمتکش خارج کرد؟

همان‌گونه آمده است پیشینه "محمدرضا پهلوی"، تنها به ۸ تیر ۵۵ خلاصه نمی‌شود و به قبل‌ترها برمی‌گردد. کودتای خونین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و حمله وحشیانه ارگان‌های مسلح و شعبان بی‌مخ‌ها به صفوف اعتراضی مردم، حمله به دانشگاه‌ها و کشتار دانشجویان در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، بعدها شکنجه و اعدام احمدزاده‌ها، مفتاحی‌ها، اعدام گل‌سرخ، دانشیان، توطئه تپه‌های اوین و تیرباران جزئی، حسن ضیاء ظریفی، عباس سورکی، سعید کلانتری، عزیز سرمدی، احمد جلیل افشار، محمد چوپان‌زاده، مصطفی جوان‌خوشدل و کاظم ذولانوار، و ده‌ها مورد دیگر، از جمله نشانه‌های وفاداری نظام پهلوی به طبقه و سیستم سرمایه‌داری است. معلوم است‌که این‌ها فقط و فقط، قسمت‌هایی هر چند کوچک و کوتاه از سیاست‌ها و کارکردهای نظام پهلوی در قبال جامعه و میلیون‌ها انسان دردمند بود. آن‌قدر مواد، و آن‌قدر چپاول و سرقت ثروت‌های جامعه زیاد است که نوشتن همه آن‌ها در یک‌جا غیرممکن می‌باشد. ولی یک‌موضوع روشن و قابل انکار نیست که "محمدرضا پهلوی"، حاصل کودتای امپریالیستی و نیز حاصل ساخت‌وپاخت قدرت‌مداران بین‌المللی در مقابل خیزش‌های اعتراضی جامعه بود. اگرچه وی روزی "صدای انقلاب را شنید"، ولی لحظه‌ای از تعرض به مردم و جوانان عقب نه نشست. باری، «حمید اشرف» حاصل چنین سیستم و مناسبات سرکوب و غارت‌گرانه‌ای بود که "محمدرضا شاه" در پی پایداری آن بود.

به دیگر سخن، درست است که اعتراضات مردمی در چهار دهه حکومت جایگزین نظام پیشین، مسیرهای متفاوتی را طی کرده است. پیشرفت، پسرفت، عدم تصمیم‌گیری و نظر سیاسی درست و نادرست، و بالاخره به‌میان آوردن شعار "اصلاح‌طلب، اصول‌گرا، دیگه تمومه ماجرا"، به‌غیر از این نیست که [من‌حیث‌المجموع] اعتراضات کارگری و توده‌ای، به‌مرحله تازه‌تر، بالاتر و روشن‌تری شیفت کرده است و بدور از بخش‌های متفاوت حکومتی – دولتی، در پی کسب مطالبات خویش هستند. منظور از این‌که هیچ قشر و یا صنفی از جامعه [به‌غیر از خودی‌ها و نیروهای سرکوب‌گر]، طرف نظام نیستند و خواهان سرنگونی آنند. به عبارت واضح‌تر سال‌هاست که پنداری چنگانه از ماهیت سردمداران و جناح‌های متفاوت جمهوری اسلامی در هم ریخته شد، و اینرا خود سران حکومت هم [با هر گرایش و اختلافی] فهمیده‌اند که برکناری‌شان در دستور کار سازندگان اصلی جامعه قرار گرفته است؛ فهمیده‌اند مردم در ابعاد و در مقیاسی بسیار بالا از آنان متنفر و منزجر هستند؛ فهمیده‌اند که سرکوب‌ها بیش از این جواب‌گو و چاره‌ساز نیست؛ فهمیده‌اند که علی‌رغم تهدیدها و گردن‌کشی‌ها، کارگران، زحمت‌کشان و جوانان در میدان‌اند و میادین تولیدی و خیابان‌ها را به جدال دو طبقه بالنده و میرنده تبدیل کرده‌اند. بانی آن سردمداران حکومت‌اند، زیرا که جانپان بشریت جان مردم را به لب‌شان رسانده‌اند و سخن گفتن از امنیت و آسایش میلیون انسان رنج‌دیده بی‌معناست. مردم بارها و بارها، وقت و بی‌وقت اعلام کرده‌اند، خواسته‌ها و منفعت‌شان با نظام‌های سرمایه‌داری منطبق نیست و خواهان دست‌مزد مطابق با تورم جامعه، زندگی بهتر و رفع هر گونه ظلم و ستم هستند. در پرتو چنین واقعیات و نیز در چهارچوب کش‌مکش‌های طبقاتی ادامه‌دار در درون جامعه است که قدرت‌مداران بزرگ، برای حفظ و بردوامی سیستم و مناسبات امپریالیستی، تقلاب‌های‌شان را صد چندان کرده‌اند تا جامعه اعتراضی را از مسیر واقعی‌اش باز دارند. بدین‌ترتیب پیش‌برد و پیش‌رفت چنین سیاستی، مستلزم سرمایه‌گذاری‌های تبلیغاتی بیش از پیش و هم‌زمان تحریف حقایق و نیز تطهیر سوابق عناصر وابسته بخود است. با این تفصیل وسط انداختن "شاهزاده" و نیز "سخن‌رانی" و "مصاحبه"‌های بی‌مایه شاگرد شوفرهایی همچون "مصدقی"، پیرامون ظرفیت "رضا پهلوی" در هدایت جامعه را می‌شود در چنین راستایی مورد بررسی قرار داد.

علاوه بر این‌ها مردم با چه زبانی باید به دلک‌هایی همچون "مسیح علی‌نژاد" بفهمانند که خواهان تغییر حکومت از بالا نیستند؛ با چه زبانی باید بگویند که باقی‌مانده‌گان نظام قبلی، ادامه‌دهنده‌گان نظام فعلی هستند؛ با چه زبانی باید به دنباله‌چه‌های سرمایه‌بفهمانند که از طریق این عناصر و حکومت‌ها، چیزی جز در بدری بیش‌تر، و تقبل هزینه‌های مالی و جانی سنگین‌تر نیست؛ با چه زبانی باید بفهمانند که سیستم و نظام پیشین و دار و دسته‌های‌شان بدرد جامعه نمی‌خورند. از دید جامعه و مردم، نظام پادشاهی با هر رنگ و تزئین سیاسی‌ای امتحان خود را پس داده و آشکار شده است که هیچ‌گونه تفاوتی با نظام کنونی – نداشته و – ندارد. برای این‌که سر هر دو، به بالا و از طریق قدرت‌مداران بین‌المللی بر سر کار گمارده شده‌اند. به‌رحال بار دیگر گماشتگان و خودفروشان سیاسی را وارد میدان رسانه‌ای‌شان کرده‌اند تا جنبش و اعتراضات پیش‌رونده را به انحراف بکشانند و در همان‌حال تاریخ سیاسی - مبارزاتی ایران را بر اساس دست‌نوشته‌های سرمایه‌داران جهانی بخورد جامعه دهند. در نتیجه جز رسوائی بیش از پیش، نصیب باقی‌مانده‌گان و شاگرد شوفرهای نظام پادشاهی نخواهد شد. برای این‌که تسویه‌حساب‌های سیاسی مردم در سال‌های ۵۶ و ۵۷ به‌قوت خود باقی است و جنایات نظام پهلوی را نه فراموش خواهند کرد و نه مدارایی با باقی‌مانده‌گان آن در کار خواهد بود؛ برای این‌که نسبت‌شان با طبقه سرمایه‌داری‌ست و با طبقه پائینی‌ها هیچ‌گونه نزدیکی‌ای ندارند. خلاصه فهم این‌قضیه دشوار و نیاز به داشتن عقل خلاق و یا هوش بالا نیست که برگشت به نظام گذشته ناممکن است؛ برای این‌که مولد ۸ تیر

۵۵ و صدها جنایتِ دیگر هست. بنابراین تقلاء‌های‌شان بیهوده و متعاقباً محرکِ زنده نگه‌داشتن بیش از پیش حافظهٔ تاریخی، از اعمالِ کثیفِ خاندانِ پهلوی است.

۲۸ جون ۷/۲۰۲۲ تیر- سرطان- ۱۴۰۱